



دوره‌می‌هایی که صفا و صمیمیت گذشته را ندارد

درد

وقتی هم دور هم هستیم، آفتی جدید سراغ‌مان آمده و آن اینکه شاید به ظاهر دور هم باشیم اما در حقیقت کنار هم نیستیم و از هم دوریم. هر کس مشغول فضای مجازی شده است، گاهی بی صدا می‌خندیم، گاهی بی صدا تعجب می‌کنیم و اینگونه ساعت‌ها غرق در گوشی‌های می‌شویم. چند وقت پیش شب خانه یکی از دوستانمان دعوت بودیم و خواستیم یک دورهمی گرمی داشته باشیم اما از همان لحظه ورود بعد از سلام و احوالپرسی وارد گوشی‌های خود شدیم و آنچنان مشغول فضای مجازی شده بودیم که اصلاً یادمان رفته بود آمده‌ایم مهمانی!

وقتی دور هم هستیم گوشی‌های لعنتی را کنار بگذارید!

حامد جمالی

گاهی بی‌اختیار دلم تنگ یک مهمانی به رسم قدیم می‌شود. دورهمی‌هایی که از دل آن صدق و صفا بیرون می‌آید. این موقع‌ها سراغ آلبوم خاطرات می‌روم. آلبومی که وقتی آن را به دست می‌گیرم بی‌اختیار گریه می‌کنم. عکس‌هایی که صفا دورهمی‌های قبل را به رخ می‌کشد، لبخندها و زست‌هایی که پر از صمیمیت بود و چقدر حال و هوای آن دورهمی‌ها برایم شیرین است. الان آرزو می‌کنم لحظه‌ای از آن حس خوب را داشته باشم.

در حسرت دورهمی‌های شبانه فامیلی

دلشنگ آن زمان که گرمی شبنشینی‌ها و مهمانی‌ها سرمای شب‌های پاییز و زمستان را به فراموشی می‌سپرد. با اینکه سن زیادی نداشتم اما علاقه‌مند به مهمانی‌ها و دورهمی‌ها بودم. تعداد ما بچه‌ها آنقدر زیاد بود که تنها نازاحتی بزرگ‌ترها در آن دوره، شلوغ کردن ما بود و دائماً به ما تذکر می‌دادند.

مردها آنچنان گرم بازی‌های محلی و خانگی می‌شدند که بارها جای‌شان سرد می‌شد و صدای خنده‌شان آنقدر بالا می‌گرفت که توجه ما بچه‌ها را به خودشان جلب می‌کرد. خانم‌ها هم مشغول صحبت و تبادل اطلاعات بودند. آنهایی که سن و سال کمتری داشتند از سخنان و تجربیات بزرگ‌ترها در امر آشپزی، بافتنی، فرش بافی، ارتباط با همسر و... استفاده می‌کردند.

و خنده‌دار قهر کرده‌است. رفتن به خانه عموها، همه‌ها، دای‌ها و خاله‌ها هم که دیگر بی‌معنا شده است. اصلاً خود وازه‌هایی همچون عمو، خاله، دای و عمه دیگر بی‌معنی‌اند.

خبری از چشم و همچشمی نبود. پذیرایی‌های ساده‌ای که الان هیچ خانواده‌ای حاضر نیست از مهمانش اینگونه بپذیرای کند. گویا اینکه آن زمان بیشتر به دورهمی اهمیت می‌دادند تا به پذیرایی. آخر هدف این نبود چش‌خاوش شوهر را با سفره رنگین دربیابوری و هدف این نبود که با بهترین غذا و میوه بخوای در فامیل مثال زنی شوی. اما زمان همه چیز را با خود برد.

گشتم نبود، نگرد نیست

قبول کنیم به بد راهی می‌رویم. دورهمی‌هایی که پر از مهر و محبت بود را ناپود کرده‌ایم. نسل جدید دیدن چنین مهمانی‌هایی برایشان مثل افسانه و خیال شده است. دورهمی‌هایی آکنده از صلح، صفا و سادگی را رها کرده‌ایم و به بی‌اساس‌ترین فرهنگ‌ها و آداب و رسوم بیگانه روی آورده‌ایم.

کجاست آن همه دورهمی‌هایی که سختی‌ها و مشکلات زندگی را به فراموشی سوق می‌داد و روحیه‌ای تازه و باب جدیدی از معنای زندگی روی ما می‌گشود. اقوام در داخل همان دورهمی‌ها به مشکلات یکدیگر رسیدگی و مشکلات را تا جایی که امکان داشت حل و فصل می‌کردند.

نه! «گشتم نبود، نگرد نیست!» دیگر دورهمی با چنین سسبکی وجود ندارد. امروز برادر، خانه برادر نمی‌رود. بچه‌ها سال‌ها چند بار بیشتر به خانه پدر و مادر نمی‌آیند. خواهر سال‌هاست با برادرش بر سر یک مسئله کوچک و خنده‌دار قهر کرده‌است. رفتن به خانه عموها، همه‌ها، دای‌ها و خاله‌ها هم که دیگر بی‌معنا شده است. اصلاً خود وازه‌هایی همچون عمو، خاله، دای و عمه دیگر بی‌معنی‌اند.

ضرورت ترویج نگاه متعادل اسلام به خانواده

مرآقب سلامت خانواده ایرانی باشیم



اکرم(ص) می‌فرمایند: «در اسلام هیچ نهادی محبوب‌تر و عزیزتر از تشکیل خانواده در نظر خداوند بنا نشده است. و حقوق است. در حدیثی دیگر ارزش و احترامی که اسلام برای زن قائل شده و جایگاهی که وجود زن در خانواده دارد را به زیبایی عنوان می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «خداوند خانه‌ای را که در آن عطر دل انگیز عروسی بوز دوست می‌دارد و خانه‌ای را که در آن سخن غم انگیز طلاق سر داده شود دشمن می‌دارد.» دین مبین اسلام چنان به تشکیل خانواده و جایگاه آن در زندگی اهمیت می‌دهد که اعمال دنیا و آخرت انسان را به طریقی به تشکیل خانواده و برگزیدن همسر مرتبط داشته است. در اسلام هم زن و هم مرد دارای حقوق و تکالیفی هستند. حقوقی وجود دارد که بین زن و مرد مشترک است. مثل حق زندگی و داشتن مسکن، داشتن فرزند و رفاه و آسایش. در احکام عبادی نیز رعایت حرام و حلال

نگاه



همه ما نیاز به ارتباط و گفت‌وگو داریم

آنان که در غار تنهایی خود فرومی‌روند

خاص تنها نیست و از طرفی انسان، به عنوان اشراف مخلوقات همنوعی برای زیستن دارد که وجه تمایزش از سایر جانداران، قدرت تفکر و فن صحبت، به صورت کلام است.

با گریز از انسان‌ها و ترجیح دادن تنهایی، ناخودآگاه افکار مختلف هجوم آورده و در زمان کوتاهی می‌تواند تمامی افکار و خلیقاتی که یک فرد تا به حال نداشته است را تغییر دهد. تجمل‌گرایی وقتی توسط شخصی دیده می‌شود، می‌تواند آسیب‌زننده باشد اما همیشه تقلید، راهی برای تغییر نیست. روحیه چشم و همچشمی قطعاً به دنبال تجمل‌گرایی می‌آید که ناخودآگاه ذهن یک فرد ناآگاه شروع به مقایسه می‌کند و این درست همان نقطه‌ای است که ذهن جامعه، اینگونه دیگر افکار انسان به صورت می‌کند.

چشم و همچشمی چقدر زیباتر می‌شود وقتی عملکرد فکری را تغییر دهنده در مسیر تغییرات اشیای مختلف. تجمل‌گرایی چقدر مفهوم کلی‌تر و عاقلانه‌تری می‌یابد اگر تجمل در رشد عقلی را برای سازگاری و فکر سلامت انتخاب کرده باشیم. اینگونه دیگر افکار انسان به صورت افراطی برای تدارک یک جمع دوستانه درگیر نمی‌شود، بلکه به سادگی می‌توان برای حضور هر دو طرف رضایت را برقراری ارتباط داشته باشند، اما این ارتباط رضایتبخش در صورتی است که هر فرد ابتدای برقراری هر نوع رابطی در یک جامعه، مدام در حال تغییر کردن هستند جدا از اینکه این تغییر مخرب باشد یا سالم، هر فرد برای گذراندن زندگی خویش با تغییر فکر، رفتارش نیز به گونه‌ای دیگر خواهد شد.

مسئله همه انسان‌ها برای ارتقای روحیه خود نیاز به حضور در طبیعت و تفریح دارند اما با غرق شدن در کارهای روزمره زندگی، این پدیده کمتر انجام می‌گیرد و به دنبال این مسئله انسان بیشتر در غار تنهایی خود فرو می‌روند

به این ترتیب انسان‌ها از یکدیگر توقع تغییر آنچنانی نخواهند داشت، به یکدیگر حتی این را می‌دهند که خودشان باشند و با این کار پس از مدتی با رفتارهای خاصی از مخاطب خویش که سبب حیرت وی می‌شود روبه‌رو نخواهند شد. به اندازه تک‌تک بنسندگان خداوند بزرگ طرز فکر و تفاوت رفتاری وجود دارد. ما مالک هیچ انسانی نیستیم، پس توقع اینکه دیگران طبق استانداردهای ما زندگی کنند هم در پروسه روابط رد خواهد شد.

با نگاهی عمیق‌تر این سؤال مطرح می‌شود که چطور می‌شود عده‌ای به علت تغییر دکوراسیون منزل، منوی غذایی چندگانه و ست پوشش اعضای خانواده، تصمیم به برگزاری یک مهمانی می‌گیرند؟ در اصل چه بر سر طرز فکر و دیدگاه روشنی که همه انسان‌ها می‌توانند در جوانی آن را به خوبی پرورش دهند، می‌آید که برای گرفتن یک مهمانی از ماه‌ها قبل شروع به تدارک می‌کنند؟!

وقتی با گذر زمان شکل و شمایل ارتباطی انسان‌ها برای محبت کردن، ابزار ختم و به طور کلی برسوز هیجانات و احساسات تغییر می‌کند، طبیعی است افراد به طور مداوم در غار تنهایی خود فرو روند و مشغول سرگوب و نادیده گرفتن حالات خود شوند. اینکه همه مخلوقات همانندی برای خود دارند، لاف‌لایز مطلب را می‌رساند که هیچ کس به گونه‌ای محسوب می‌شوند.

از نظر جامعه‌شناسان تغییر در شرایط اجتماعی و اقتصادی سبب تغییر در اوضاع و شرایط و کارکردهای خانواده می‌شود، اما در اسلام ساختار یک خانواده متعادل بر اساس توانایی‌ها و نقش‌های افراد تعیین شده است که خود باعث ثبات، شادی و سلامت خانواده می‌شود.

در خانواده‌هایی که از تعالیم اسلام و دین پیروی می‌شود، علاوه بر رعایت اصول دموکراسی مسئله اقتدار متعادل مرد در خانه نیز رعایت شده و هر فرد اعم از زن و فرزندان دارای ارزش و احترام خاصی در خانه هستند. در بطن این قبیل خانواده‌ها زن و مرد دارای احترام متقابل هستند که این خود علتی بر ثبات خانواده است. برای نجات خانواده ایرانی و حفظ هویت و اصالت آن ترویج نگاه متعادل اسلام به این نهاد، ضروری است.

زهرآغاری آثار

امروزه بسیاری از ارتباطات اجتماعی دچار از هم گسیختگی شده و به طور جدی علت بسیاری از مشکلات ارتباطی، شناخت ناکافی انسان‌ها از یکدیگر است، چراکه گاهی برخی افراد از سر ناآگاهی، از کلماتی استفاده می‌کنند که نه تنها مخرب است، بلکه می‌تواند به عنوان یک علت حتمی برای قطع ارتباط عمل کند.

آدمی در هر سن و جایگاهی که باشد بدون تعامل و برقراری رابطه دوام نخواهد آورد، تخلیه روانی‌ای که با گفت‌وگو صورت می‌گیرد، از مواردی است که جایگزینی ندارد و این امر اگر به صورت کامل انجام نگیرد، موجب بروز انواع اختلالات و بیماری‌های روانی خواهد شد. احساس آرامش و امنیت ناشی از وجود افرادی که شنونده خوبی هستند و کمک‌کننده روحی به حساب می‌آیند در هر سنی برای هر شخصی مفید و تأثیرگذار در سلامت روانی است. وقتی یک الگوی رفتاری طی زمان تبدیل به یک باور شود، قطعاً مفید خواهد بود.

بر اساس تحقیقات و مشاهدات انجام شده، ارتباط پر ثمر هنگامی با دوام خواهد شد که هر دو طرف رضایت را برقراری ارتباط داشته باشند، اما این ارتباط رضایتبخش در صورتی است که هر فرد ابتدای برقراری هر نوع رابطی در یک جامعه، مدام در حال تغییر کردن هستند جدا از اینکه این تغییر مخرب باشد یا سالم، هر فرد برای گذراندن زندگی خویش با تغییر فکر، رفتارش نیز به گونه‌ای دیگر خواهد شد.

مسئله همه انسان‌ها برای ارتقای روحیه خود نیاز به حضور در طبیعت و تفریح دارند اما با غرق شدن در کارهای روزمره زندگی، این پدیده کمتر انجام می‌گیرد و به دنبال این مسئله انسان بیشتر در غار تنهایی خود فرو می‌روند

به این ترتیب انسان‌ها از یکدیگر توقع تغییر آنچنانی نخواهند داشت، به یکدیگر حتی این را می‌دهند که خودشان باشند و با این کار پس از مدتی با رفتارهای خاصی از مخاطب خویش که سبب حیرت وی می‌شود روبه‌رو نخواهند شد. به اندازه تک‌تک بنسندگان خداوند بزرگ طرز فکر و تفاوت رفتاری وجود دارد. ما مالک هیچ انسانی نیستیم، پس توقع اینکه دیگران طبق استانداردهای ما زندگی کنند هم در پروسه روابط رد خواهد شد.

با نگاهی عمیق‌تر این سؤال مطرح می‌شود که چطور می‌شود عده‌ای به علت تغییر دکوراسیون منزل، منوی غذایی چندگانه و ست پوشش اعضای خانواده، تصمیم به برگزاری یک مهمانی می‌گیرند؟ در اصل چه بر سر طرز فکر و دیدگاه روشنی که همه انسان‌ها می‌توانند در جوانی آن را به خوبی پرورش دهند، می‌آید که برای گرفتن یک مهمانی از ماه‌ها قبل شروع به تدارک می‌کنند؟!

وقتی با گذر زمان شکل و شمایل ارتباطی انسان‌ها برای محبت کردن، ابزار ختم و به طور کلی برسوز هیجانات و احساسات تغییر می‌کند، طبیعی است افراد به طور مداوم در غار تنهایی خود فرو روند و مشغول سرگوب و نادیده گرفتن حالات خود شوند. اینکه همه مخلوقات همانندی برای خود دارند، لاف‌لایز مطلب را می‌رساند که هیچ کس به گونه‌ای محسوب می‌شوند.

از نظر جامعه‌شناسان تغییر در شرایط اجتماعی و اقتصادی سبب تغییر در اوضاع و شرایط و کارکردهای خانواده می‌شود، اما در اسلام ساختار یک خانواده متعادل بر اساس توانایی‌ها و نقش‌های افراد تعیین شده است که خود باعث ثبات، شادی و سلامت خانواده می‌شود.

در خانواده‌هایی که از تعالیم اسلام و دین پیروی می‌شود، علاوه بر رعایت اصول دموکراسی مسئله اقتدار متعادل مرد در خانه نیز رعایت شده و هر فرد اعم از زن و فرزندان دارای ارزش و احترام خاصی در خانه هستند. در بطن این قبیل خانواده‌ها زن و مرد دارای احترام متقابل هستند که این خود علتی بر ثبات خانواده است. برای نجات خانواده ایرانی و حفظ هویت و اصالت آن ترویج نگاه متعادل اسلام به این نهاد، ضروری است.

از تباط پر ثمر هنگامی با دوام خواهد شد که هر دو طرف رضایت از برقراری ارتباط داشته باشند، اما این ارتباط رضایتبخش در صورتی است که هر فرد ابتدای برقراری هر نوع رابطه‌ای با مخاطب خویش، شناختی از تفاوت‌های رفتاری آدمیان پیدا کند و بسا پیاده کردن این تفکرات و بینش‌های سازنده وارد رابطه شود و به مخاطب خود و باقی همنوعان حق انتخاب دهد

درد